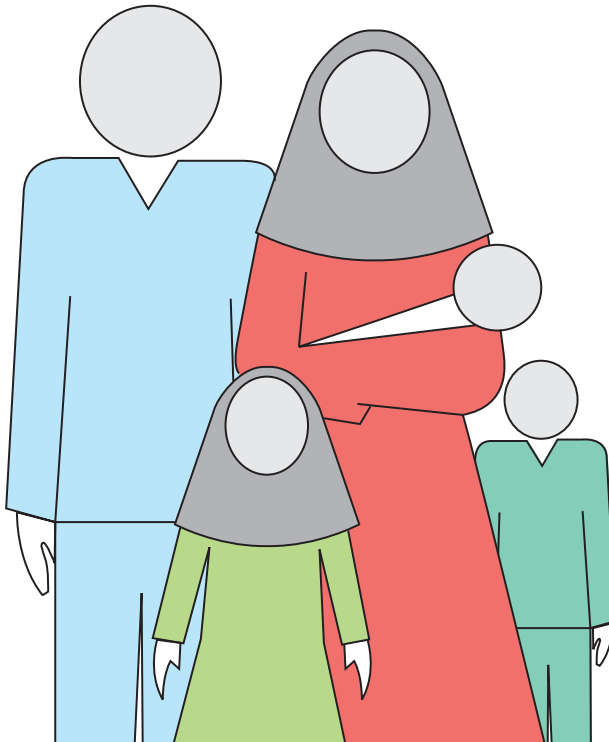


نظام خانواده

انتظار می‌رود دانش‌آموز در پایان این فصل بتواند :

- ۱- مفهوم خانواده را با توجه به ویژگی‌های بارز آن شرح دهد.
- ۲- ضرورت و اهمیت تشکیل خانواده را توضیح دهد.
- ۳- آثار و نتایج خانواده را بر نظام اجتماعی کل با یکدیگر مقایسه کند.
- ۴- نقش خانواده را در زندگی فرد تجزیه و تحلیل کند.
- ۵- مسائل اساسی خانواده را تشریح کند.



خانواده، یک نظام اجتماعی

شما در گروه‌های مختلفی چون گروه‌های ورزشی، مذهبی، سیاسی، هنری، سنی و ... عضویت دارید.

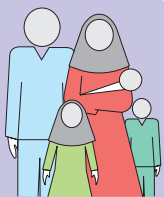
خانواده نیز یک گروه اجتماعی است. آیا می‌دانید چرا؟ گروه‌های گوناگون در بعضی چیزها شبیه به یکدیگرند و در بعضی چیزها نیز با هم تفاوت دارند. از جمله ملاک‌هایی که این گروه‌ها را از هم متمایز می‌سازد، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- بزرگ یا کوچک بودن
- میزان دوام و پایداری
- میزان نظم گروهی
- نحوه عضویت و ورود به گروه
- چگونگی روابط اعضا با یکدیگر (میزان صمیمیت)
- ارزش‌ها و هنجارهای گروه
- و ...

فعالیت ۱-۳ با توجه به ملاک‌های ذکر شده، درباره تفاوت‌های گروه خانواده با گروه‌های ورزشی، مذهبی، سیاسی و هنری که ممکن است شما عضو آنها باشید، در کلاس بحث و گفت‌وگو کنید.

با انجام دادن، فعالیت ۱-۳ درمی‌یابید که گروه خانواده با گروه‌های دیگر تفاوت‌های اساسی دارد؛ مثلاً:

– اگر حتی به گذشته‌های دور برگردیم و از نخستین گروه‌هایی که انسان‌ها تشکیل داده‌اند، سراغ بگیریم، زنان و مردانی را خواهیم یافت که در قالب یک خانواده با هم زندگی می‌کنند؛ بنابراین، سابقه تشکیل خانواده بسیار بیشتر از گروه‌های دیگر است.



— گروه‌های دیگر چه بسا پس از مدتی از هم بپاشند و از بین بروند، اما زن و مردی که با هم ازدواج می‌کنند، اغلب تا پایان عمر با هم خواهند بود.

— افراد اغلب برای ارضای یکی از تمایلات خود به عضویت گروه‌های دیگر در می‌آیند؛ برای مثال، برای انجام دادن فعالیت‌های سیاسی در انجمن‌های سیاسی عضو می‌شوند یا برای گذران اوقات فراغت و انجام دادن فعالیت‌های دسته جمعی عضویت گروه‌های سنی را می‌پذیرند اما در خانواده، زن و مرد در موارد زیادی با یکدیگر مشارکت دارند؛ به همین جهت، رابطه افراد در خانواده عمیق‌تر و گسستن آن دشوارتر است.

ویژگی‌های خانواده و اثرگذاری‌های آن بر فرد و جامعه — که در درس‌های آینده بررسی خواهند شد — موجب شده است تا نقش‌ها و الگوهای عمل این گروه (خانواده) بیش از هر گروه دیگری پابرجا و پایدار باقی بماند؛ تا آنجا که افراد پیش از آنکه خانواده را یک گروه بدانند، به آن به منزله یک نظام اجتماعی توجه می‌کنند و در طول زندگی در پی آن هستند که چگونگی عمل کردن در نقش‌های مختلف آن را بیاموزند؛ مثلاً:

— کودکان در بازی‌های خود نقش‌های پدر، مادر، فرزند، زن و شوهر را بارها و بارها بازی می‌کنند؛

— جوان‌ها در جریان زندگی با والدین، رابطه با خویشاوندان و مشاهده رفتار خانواده‌ها خود را برای ایفای نقش در نظام اجتماعی خانواده آماده می‌سازند؛

— بزرگ‌ترها در گفت‌وگوهای خود با دیگران و مطالعه کتاب و مجله در پی آن هستند که زندگی را در خانواده مطبوع‌تر سازند.

بنابراین، می‌توان خانواده را از دو جهت بررسی کرد:

الف — خانواده به عنوان یک گروه؛ یعنی، مجموعه‌ای از افراد که خود را «ما» تلقی می‌کنند و با یکدیگر تعاملی نسبتاً پایدار و منظم دارند؛

ب — خانواده به عنوان یک نظام اجتماعی؛ یعنی، مجموعه‌ای از نقش‌های اجتماعی متقابل به هم پیوسته که برای تحقق بخشیدن به هدفی مشخص با هم پیوند یافته‌اند.

با پذیرش این نکته که خانواده یک نظام اجتماعی است، این پرسش‌ها مطرح می‌شود:

- خانواده از چه نقش‌هایی تشکیل شده است؟
- الگوهای عمل مربوط به هر نقش چیست؟
- رابطه این الگوهای عمل با یکدیگر چگونه است؟
- نظام اجتماعی خانواده حول کدام ارزش‌ها سازمان می‌یابد؟

مجموعه نقش زن و شوهری

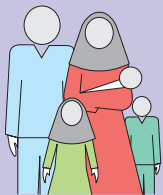
ابتدا فرض می‌کنیم افراد تشکیل دهنده خانواده یک زن و مرد بدون فرزند هستند. در چنین حالتی، تنها دو نقش زن و شوهری وجود دارد. هر یک از این نقش‌ها الگوهای عملی دارد و در واقع، آن نقش از آن الگوهای عمل تشکیل شده است.

فعالیت ۲-۳ برای هر یک از نقش‌های زن و شوهری، پنج الگوی عمل بنویسید. برای انجام این کار، می‌توانید کارهایی را که افراد خانواده به عنوان زن یا شوهر انجام می‌دهند، فهرست کنید؛ سپس مشخص کنید که افراد برای انجام دادن کدام یک از این کارها اجبار دارند؛ یعنی، اگر آن اعمال را انجام ندهند، با بی‌مهری اعضای خانواده یا دیگران روبه‌رو می‌شوند، اقوام و آشنایان آنها را سرزنش می‌کنند یا قانون و حکومت آنها را مورد بازخواست قرار می‌دهند؛ برای نمونه :

الگوهای عمل نقش شوهر	میزان اجبار و الزام
– نفقه دادن	اگر شوهری از دادن نفقه به همسرش خودداری کند، مورد بازخواست قانونی قرار می‌گیرد.
– رعایت احترام همسر در مقابل دیگران	اگر شوهری در حضور دیگران به همسرش توهین کند، دیگران او را سرزنش می‌کنند.

مجموعه نقش پدری – مادری – فرزندی

اکنون فرض کنید که در خانواده به مجموعه زن و مرد فرد سومی به عنوان فرزند اضافه شود. در این صورت، همراه با افزایش تعداد اعضای خانواده، دو نقش پدری و



مادری نیز در خانواده مطرح می‌شود؛ بنابراین، در کنار مجموعه نقش زن و شوهری، مجموعه نقش پدر - مادر - فرزند نیز شکل می‌گیرد. هر یک از این نقش‌ها نیز الگوهای عمل خاص خود را دارد.

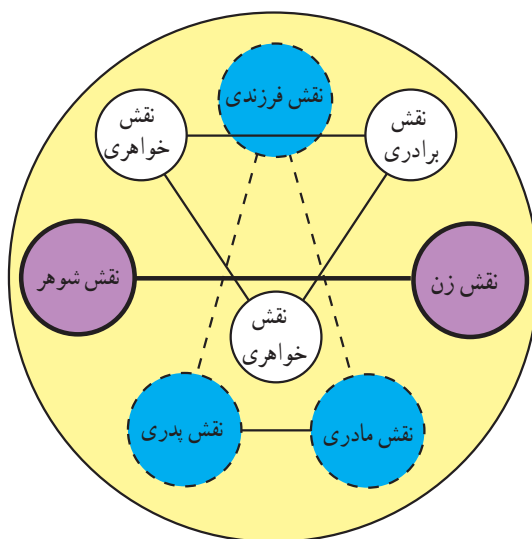
فعالیت ۳-۳ برای هر یک از نقش‌های زیر پنج الگوی عمل

بنویسید :

۱- نقش پدری

۲- نقش مادری

۳- نقش فرزندی.



خانواده به منزله یک نظام اجتماعی

تأثیرات خانواده بر نظام اجتماعی کل

هنگامی که خانواده را به عنوان یک نظام اجتماعی در نظر می‌گیریم، لازم است تأثیرات آن را بر بقا و رشد نظام اجتماعی کل و نظام‌های اجتماعی دیگر بررسی کنیم.

این مطلب را می‌توان با طرح یک پرسش دنبال کرد: جامعه از نبود خانواده چه زیان‌هایی می‌بیند؟

فعالیت ۴-۳ اگر در یک لحظه، همه افراد جامعه از زندگی در قالب نظام خانواده سر باز زنند و نقش‌های زن و شوهری و پدر و مادری خویش را رها کنند، چه وضعی پیش خواهد آمد؟

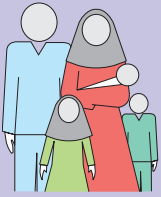
درباره نتایج حاصل از این وضع، در کلاس گفت‌وگو کنید.
شما با پاسخ‌گویی به این پرسش، تأثیرات خانواده را بر نظام اجتماعی کل خواهید شناخت؛ تأثیرات و نتایجی مانند **اجتماعی کردن فرزندان، مراقبت و نگهداری از کودکان، ناتوانان و سالمندان، تولید نسل و ...**

مثلاً:

— افراد نمی‌توانند مفید باشند؛ مگر این که جامعه‌پذیر شوند و خانواده نخستین زمینه جامعه‌پذیری است که کار خود را از لحظه تولد فرد آغاز می‌کند. با وجود این که در جامعه‌های جدید، عواملی غیر از خانواده نقش بسیاری در جامعه‌پذیر کردن افراد دارند ولی خانواده هنوز هم نخستین و مهم‌ترین عامل جامعه‌پذیری است.

— افراد به غذا، پناهگاه و مراقبت نیاز دارند و در محیط خانواده این نیازها تأمین می‌شود. به ویژه، اعضای فعال و توانای خانواده از سایر اعضا که به دلیل خردسالی، پیری یا ناتوانی قادر به مراقبت از خود نیستند، مراقبت و نگهداری می‌کنند.

— یک جامعه بدون داشتن **نظامی** برای جایگزینی اعضای آن جامعه از نسلی به نسل دیگر قادر به ادامه حیات نیست. خانواده امکانی را فراهم می‌سازد که از طریق آن، این جایگزینی تحقق یابد.



خانواده و فرد

در درس گذشته به تأثیرات خانواده بر نظام اجتماعی اشاره کردیم. در این درس، به تفصیل تأثیراتی را که خانواده بر فرد دارد بررسی می‌کنیم.

خانواده و شکل‌گیری شخصیت

فعالیت ۵-۳ چهار توانایی خود را در سه مرحله آغاز تولد، کودکی و زمان حاضر در زمینه‌های گوناگون مانند اندیشیدن، درک امور، شناخت خوب و بد، داشتن احساسات خاص، انجام کارها و... را مانند نمونه زیر با یکدیگر مقایسه کنید و به این پرسش پاسخ دهید: این توانایی‌ها را از کجا و چگونه کسب کرده‌اید؟

نوع توانایی	آغاز تولد	کودکی	زمان حاضر	نحوه کسب توانایی‌ها
اندیشیدن	چیزی نمی‌دانستم.	به امور محسوس فکر می‌کردم.	توانایی تفکر در امور عقلانی را دارم.	از طریق رفتار والدین، کارهای گروهی، مدرسه و وسایل ارتباط جمعی

شما با انجام دادن فعالیت یاد شده بهتر درمی‌یابید که به عنوان یک جوان می‌توانید کارهای زیادی انجام دهید؛ می‌توانید درباره امور مختلف بیندیشید و اظهار نظر کنید؛ نسبت به امور مختلف احساسات و عواطف خاصی داشته باشید؛ انجام اموری را نادرست و اموری را درست بدانید؛ اگر کار نادرستی انجام می‌دهید، ناراحت شوید و احساس گناه کنید.

شما همچنین با پاسخ‌گویی به پرسش مطرح شده با نقش خانواده در نگهداری و مراقبت از فرزندان و مهم‌تر از آن، با چگونگی اجتماعی کردن آنها آشنا می‌شوید؛

— فرد در خانواده متولد می‌شود و والدین یا دیگر اعضای خانواده از او مواظبت

می کنند. این کمترین کاری است که هر خانواده در مورد فرزندان خود انجام می دهد.

— مهم ترین خانواده بر **شکل گیری شخصیت فرد** — به عنوان عضوی از اجتماع، موجودی متفکر و دارای اراده و شناخت — تأثیر زیادی دارد؛ زیرا:

با رشد جسمانی کودک، روان او نیز در ارتباط با **محیط و انسان های دیگر** شکل می گیرد و رشد می یابد. خانواده نخستین محیط اجتماعی است که فرد در آن قرار می گیرد و والدین و اطرافیان کودک نیز نخستین انسان هایی اند که با وی ارتباط برقرار می کنند. نوع رفتار آنها در اعمال، اندیشه ها و احساسات و به طور کلی شخصیت فرد تأثیرات عمده ای دارد؛ مثلاً:

— نوع رفتار والدین با کودک

— تعداد افرادی که با کودک رابطه دارند

— فرزند چندم خانواده بودن

— نوع رفتار والدین با فرزندان

— نوع رفتار والدین با یکدیگر

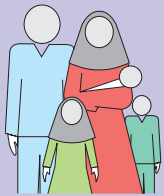
همگی در شخصیت فرد تأثیرات عمده ای دارند.

— اگر فرد در خانواده ای رشد یابد که در آن تصمیم گیری در همه امور به عهده مرد است، نظر او در مورد موقعیت زن متفاوت است با نظر فردی که در خانواده ای بزرگ شده است که در آن والدین به طور مشترک تصمیم گیری می کنند.

— فردی که در بزرگسالی در تصمیم گیری مشکل دارد، می تواند ریشه های این تردید را در تعارض های رفتاری و گفتاری بزرگ ترها در دوران کودکی خویش جست و جو کند.

— آنچه به عنوان **وجدان** در فرد شکوفا می شود و از درون، رفتار او را کنترل می کند، عمدتاً حاصل عمل و گفتار والدین و اعضای خانواده در کودکی است.

بنابراین، فرد نه تنها از نظر جسمی مدیون خانواده است، مهم تر از آن، از نظر روانی و شخصیتی نیز تحت تأثیر خانواده قرار دارد.



خانواده و نقش ارشادی و حمایتی

شاید تصور کنید که نقش خانواده محدود به دوره کودکی فرد است و در اموری که ذکر شد، خلاصه می شود ولی با کمی تأمل می توانید نقش خانواده را در دوره ای که فرد آموزش رسمی را در مدرسه آغاز می کند، در دوره جوانی و سپس در امر ازدواج و تشکیل خانواده و پس از تشکیل خانواده نیز دریابید.

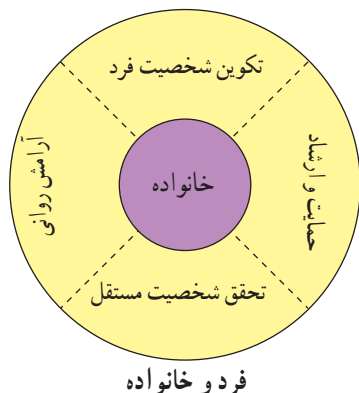
فعالیت ۶-۳ الف - فکر می کنید اگر خانواده نباشد، شما در ادامه تحصیل با چه مشکلاتی روبه رو می شوید؟ به چهار مورد از نقش های ارشادی و حمایتی خانواده خود در این زمینه اشاره کنید.

ب- زندگی یک زوج جوان از خویشاوندان یا آشنایان خود را در نظر بگیرید. چهار مورد از نقش های ارشادی و حمایتی خانواده های آنها را بنویسید.

خانواده و حمایت عاطفی

انسان به محبت، صمیمیت، عشق و آرامش روانی نیاز دارد و خانواده اولین زمینه اجتماعی است که این نیازهای عاطفی و اساسی در آن برآورده می شود.

فرد حتی پس از ازدواج نیز به نحوی دیگر - علاوه بر آنچه گفتیم - مدیون خانواده است. با تشکیل خانواده فرد از نظر عاطفی آرامش می یابد و از سردرگمی ها، خستگی ها و تلاطم های روانی او کاسته می شود؛ تا آنجا که خانه برای وی به صورت مأمنی در می آید که پس از فراغت از کار و درگیری های روزمره در آن به آسودگی خاطر دست می یابد.



خانواده و تحقق شخصیت مستقل

خانه و خانواده جدید، جایگاهی است که فرد می تواند شخصیت مستقل خویش را در آن تحقق بخشد.

مرد با کار مستقل در بیرون و زن با کار در منزل یا بیرون از آن و هر دو با تلاش برای تربیت فرزند، شخصیت مستقل خویش را تحقق می بخشند و در عین حال، آینده زندگی

اجتماعی کودک خود را رقم می‌زنند.

از آنچه در درس‌های اول و دوم گذشت، می‌توان نتیجه گرفت :

اگر چه نقش نظام خانواده در زندگی اجتماعی کمتر از گذشته شده است ولی این نقش همچنان نقشی اساسی و عمده است و برای آن جایگزینی نیافته‌اند. بعضی صاحب‌نظران برای حذف نظام خانواده طرح‌هایی ارائه دادند و بعضی هم آنها را به اجرا در آوردند ولی همه این طرح‌ها با شکست روبه‌رو شدند. خانواده به منزله یک خُرده نظام ضروری که هم سلامت فرد و هم بقای جامعه را تأمین می‌کند، هم‌چنان به حیات خویش ادامه می‌دهد^۱.

دلیل بقا و پایداری نظام خانواده را در طول تاریخ می‌توان در دو نکته زیر یافت :

اول - نقش مهم و غیرقابل انکار خانواده در زندگی فرد (که به تفصیل در این درس

بررسی شد)؛

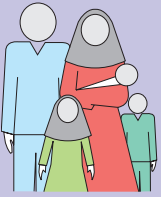
دوم - نقش گسترده و تعیین کننده خانواده در نظام اجتماعی کل؛ به گونه‌ای که حذف

آن، نظام اجتماعی را با هزینه‌های سرسام‌آوری روبه‌رو خواهد کرد.

درباره این نکته نیز در درس گذشته سخن گفته ایم.

۱- برای مثال، می‌توان از کشور شوروی (سابق) و رژیم اشغالگر قدس نام برد که برای فروپاشی بنیان خانواده

تلاش‌هایی کردند ولی توفیقی به دست نیاوردند.



آسیب‌های نظام خانواده (۱)

با وجود اهمیتی که خانواده برای فرد دارد و نیازهای متعدد فرد در خانواده برطرف می‌شود، گاهی خانواده به جای اینکه محلّ امن و آرامش و ارضای عاطفی و جایگاهی برای تحقق شخصیت مستقل افراد باشد، به جایگاهی برای جدال و دعوا تبدیل می‌شود و به جای اینکه برای آنها آثار و نتایج مطلوبی دربرداشته باشد، آثاری مخرب دارد؛ تا آنجا که به جهنمی تبدیل می‌شود که زن و مرد و به تبع آنان فرزندان در آن می‌سوزند. در چنین حالتی، جدایی و طلاق به ظاهر تنها راهی است که مطلوب به نظر می‌رسد. همچنین، خانواده با همه آثار مطلوبی که بر فرزندان دارد، گاه برای آنان جایگاه نامناسب و نامطلوبی است به خصوص در سنین نوجوانی که گاه درگیری‌هایی میان فرزندان و والدین ایجاد می‌شود.

— به راستی چرا چنین وضعی پیش می‌آید؟

— چرا بعضی از زن و شوهرها نمی‌توانند با هم زندگی کنند؟

— چرا بعضی از فرزندان از زندگی در خانواده خویش ناخشنودند؟

پاسخ این پرسش‌ها را در همین درس، در بخش‌هایی با عناوین «ناسازگاری زن و شوهر در خانواده» و «ناسازگاری فرزندان و والدین» می‌توانید بیابید.

ناسازگاری زن و شوهر در خانواده

اگر پای درد دل همسرانی که با هم اختلاف دارند بنشینید، خواهید دید دلایلی که آنها برای اختلافات خویش ذکر می‌کنند، بی‌شمار است؛ از ندادن نفقه تا عدم توجه به خواسته‌های همسر، طرز رفتار، نوع لباس پوشیدن و

در صورتی که بخواهیم به این دلایل بسنده کنیم، هیچ‌گاه نمی‌توانیم علت یا علل واحد و مشترکی برای اختلاف زن و شوهر بیابیم. به هر حال، در میان همه دلایلی که برای وجود اختلافات

میان زن و شوهرها مطرح می شود، یک وجه مشترک می توان یافت و آن **برآورده نشدن انتظارات** دو طرف است.

— زنی که از شوهرش **انتظار** احترام نسبت به اقوام خود را دارد و او این انتظار را برآورده نساخته (آگاهانه یا ناآگاهانه)، از شوهر خویش ناراضی است.

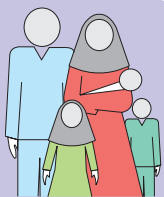
— مردی که **انتظار** داشته است همسرش غذای مورد علاقه او را تهیه کند و زن قادر به پختن چنین غذایی نیست، از او ناراضی است.

— زنی که **انتظار** داشته است همسرش شریک زندگی او باشد، در تربیت فرزندان و اداره کانون خانواده او را صمیمانه یاری کند و نیازهای خانواده را با تلاش و کوشش خود برآورده سازد، می بیند که او با گرفتار شدن در دام اعتیاد آتش بر هستی زن و فرزندانش می زند و بایی اعتنایی و لالابالی گری، شیرازه خانواده را از هم می پاشد و موجب سرافکنندگی و تباهی اعضای خانواده می شود و ... چنین زنی چگونه می تواند از همسر خویش راضی و خرسند باشد؟ این فهرست را تا ده ها و صدها مورد می توانید ادامه دهید.

اکنون این پرسش مطرح می شود که این انتظارات چه هستند و چگونه شکل می گیرند؟ برای پاسخ دادن به این پرسش، به مطالب فصل گذشته باز می گردیم. گفتیم که هر نقش با مجموعه ای از الگوهای عمل مرتبط با آن همراه است. مجموعه ای از این الگوهای عمل را فردی که نقش را بر عهده می گیرد، تحقق می بخشد و مجموعه ای از آنها را دیگران محقق می سازند.

با توجه به مفهوم انتظارات، نقش و رابطه دو جانبه حق و تکلیف — که در فصل گذشته به آنها اشاره کردیم —، می توان گفت انتظارات، الگوهای عملی اند که هر یک از دو طرف، دیگری را موظف به تحقق آنها می داند و در صورتی که طرف مقابل آنها را محقق نسازد، آزرده گی و نارضایتی و در نهایت، ناسازگاری و جدایی پیش می آید.

در اینجا این سؤال مطرح می شود که چرا زن و شوهر انتظارات یکدیگر را برآورده نمی سازند؟ مگر نه این است که هنگام ازدواج به طور صریح یا ضمنی نقش زن و شوهری و الگوهای عمل آن را پذیرفته اند؟ مگر نه این است که دو طرف می خواهند زندگی آسوده و راحتی با یکدیگر داشته باشند؟ پس چرا انتظارات یکدیگر را برآورده نمی سازند؟



نظام اجتماعی و ناسازگاری زن و شوهر

اگر به یاد داشته باشید پیش از این گفتیم که نظام اجتماعی افراد خود را از راه درونی کردن ارزش‌ها و اعمال مجازات، اجتماعی می‌کند. افراد در جریان اجتماعی شدن، الگوهای عمل مربوط به نقش‌های خود را می‌آموزند و به تحقق آنها علاقه‌مند می‌شوند، تا آنجا که در صورت عمل نکردن به آنها احساس ناراحتی می‌کنند.

با این مقدمه، شما باید بتوانید به پرسشی که پیش از این مطرح شد، پاسخ بدهید.

الف - در صورتی که جریان اجتماعی شدن به طور کامل تحقق نیابد و افراد از حقوق و وظایف نقش‌های خود درک کاملی نداشته باشند یا برای انجام آنها آمادگی لازم را پیدا نکرده باشند، در برآوردن انتظارات یکدیگر دچار مشکل می‌شوند و به این ترتیب، ناسازگاری پیش خواهد آمد؛ مثلاً در مورد نقش‌های زن و شوهری، در نظر بگیرید:

- مردی که با وجود تلاش برای تهیه مایحتاج مادی خانواده، به امور تربیتی و روانی فرزندان خود توجه کافی ندارد؛

- زنی که با وجود فداکاری و تلاش برای اداره امور منزل، با خویشان وندان همسر خویش برخورد مناسبی ندارد.

هر دو مورد ذکر شده نشان می‌دهد که زن و شوهر حقوق و وظایف نقش‌های زن و شوهری را به طور کامل نیاموخته‌اند.

ب- در صورتی که افراد به گونه‌های مختلف اجتماعی شوند، در زندگی انتظارات متفاوتی از یکدیگر خواهند داشت و این تفاوت انتظارات، موجب اختلاف آنها خواهد شد؛ مثلاً:

- زنی که می‌خواهد در بیرون از منزل کار کند و انتظار دارد همسر آینده‌اش در این زمینه با او همکاری داشته باشد، اگر با مردی ازدواج کند که فقط کار در منزل را وظیفه زن بداند، ازدواج وی با نارضایتی همراه خواهد بود.

- مردی که دوست دارد تا نیمه‌های شب در بیرون از منزل با دوستان خویش باشد، اگر با زنی ازدواج کند که انتظار دارد همسرش پس از فراغت از کار به منزل بیاید، زندگی مطلوبی نخواهد داشت.

فعالیت ۷-۳ گفت و گو کنید.

چرا افراد به گونه های مختلف اجتماعی می شوند و در نتیجه، در زندگی انتظارات متفاوتی از یکدیگر دارند؟

با طبقه بندی مواردی که در جریان بحث و گفت و گوی شما مطرح شد، می توان نتیجه گیری کرد که دو دسته عوامل عمده در تنوع جریان های اجتماعی شدن دخالت دارند :

۱- وجود محیط های اجتماعی مختلف (مانند شهر و روستا و ...) یا گروه های اجتماعی گوناگون (مانند اقوام و اقلیت ها) با فرهنگ ها، ارزش ها و الگوهای عمل متفاوت، نتیجه ازدواج میان چنین افرادی، وجود خانواده های ناسازگار خواهد بود.

۲- راه های مختلف اجتماعی شدن افراد (مانند خانواده، مدرسه، رادیو و تلویزیون، کتاب ها و مجلات، مجالس گوناگون و ...) که آنها را در معرض ارزش های اجتماعی مختلف قرار می دهد. در جامعه ای که افراد آن از راه های مختلف اجتماعی می شوند، ازدواج ها عمدتاً ناموفق و طلاق امری شایع خواهد بود.

پ- همچنین برای یک نظام اجتماعی که در معرض تغییرات سریع است و در هر دوره امور متفاوتی را ارزش تلقی می کند، تزلزل بنیان خانواده نتیجه ای طبیعی خواهد بود؛ برای نمونه، افرادی که ایثار و سادگی و قناعت از ارزش های اساسی آنان است، با رواج خودخواهی و فزون طلبی و مصرف زیاد در جامعه، تحت فشار قرار خواهند گرفت و احتمال ناسازگاری میان آنان افزایش خواهد یافت.

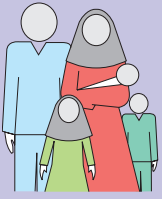
با توجه به آنچه گفتیم، ریشه های ناسازگاری خانواده ها را نباید فقط در درون خانواده ها جست بلکه باید آن را در ورای خانواده و در نظام اجتماعی کل هم جست و جو کرد. اگر در پی یافتن راه حلی برای رفع این ناسازگاری ها هستیم، باید آن را در سطح نظام اجتماعی کل جست و جو کنیم.

فعالیت ۸-۳ گفت و گو کنید.

— چگونه می توان میزان ناسازگاری را در خانواده ها کاهش داد؟

— توجه به معیارها و ارزش های دینی چگونه می تواند موجب کاهش ناسازگاری در

خانواده شود؟



آسیب‌های نظام خانواده (۲)

ناسازگاری فرزندان و والدین

اکنون می‌خواهیم به مطلبی بپردازیم که شاید دغدغه ذهن بسیاری از شما هم باشد و آن رابطه نوجوان و جوان با خانواده است.

در سنین نوجوانی و جوانی گاه میان جوانان و والدین آنها اختلافاتی پیش می‌آید. تجربه این گونه اختلاف‌ها را شاید خود شما هم داشته باشید. جملاتی چون «پدر و مادر مرا درک نمی‌کنند»، «هنوز مرا جدی نمی‌گیرند»، «با من هنوز رفتاری کودکانه دارند» که گاهی اوقات از نوجوانان و جوانان می‌شنویم و نیز جملاتی مانند «جوانان خودسر و پرتوقع‌اند» و «جوانان حقوق ما را نمی‌شناسند» که از والدین شنیده می‌شود، مبین همین واقعیت است. وجه مشترک این اختلافات را نیز می‌توان در مفهوم **تفاوت انتظارات** بیان کرد.

اکنون این سؤال مطرح می‌شود که چگونه یک نوجوان که تا مدتی پیش تابع نظر والدین خود بوده است و توسط آنان تربیت شده، امروز با آنها اختلاف پیدا کرده است؛ مگر نه این است که در جریان زندگی خانوادگی، ارزش‌های خانواده برای کودک درونی می‌شود؟ پس دلیل این اختلافات و نارضایتی‌ها چیست؟

تفاوت انتظارات والدین و فرزندان از کجا ناشی می‌شود؟

برای پاسخ‌گویی به این پرسش، موارد زیر را بررسی می‌کنیم.

الف — تغییر نقش کودکی به نوجوانی: فرزند یک خانواده را در نظر بگیرید که تاکنون در نقش کودک قرار داشته و الگوهای عمل مربوط به کودکی در مورد وی رعایت می‌شده است. اکنون با توجه به رشد جسمی و ذهنی، در آستانه پذیرش نقش جوانی و بزرگ‌سالی است که الگوهای عمل خاص خود را دارد.

در بحث اول کتاب به بعضی از خصوصیات دوره نوجوانی اشاره کردیم. روان‌شناسان

مجموعه خصوصیات این دوره را با یک اصل توجیه می‌کنند و آن استقلال نوجوان است؛ یعنی نوجوان تلاش می‌کند که مستقل شود. او در حال تغییر نقش از کودکی به بزرگ‌سالی است و همراه با آن می‌خواهد از اتکا به بزرگ‌ترها و والدین بکاهد و در اندیشه، احساس و عمل، بیشتر به خود متکی شود.

همراه با این خصوصیت، خصیصه دیگری هم در نوجوان ظاهر می‌شود و آن، **گرایش شدید به عضویت در گروه است**. این در واقع راهی است که به واسطه آن، نوجوان استقلال خویش را از خانواده عملی می‌سازد.

عدم توجه والدین و فرزندان به خصوصیات نقش جدید و رعایت نکردن الگوهای مربوط به آن، موجب بروز اختلاف میان فرزندان و والدین و نارضایتی آنها می‌شود.

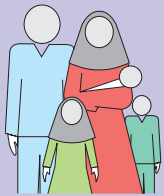
فعالیت ۹-۳ چهار مورد از الگوهای عمل مربوط به کودکی و بزرگ‌سالی را فهرست کرده با یکدیگر مقایسه کنید. آنگاه با توجه به تفاوت‌های آنها، موارد اختلاف جوانان و والدین و نارضایتی آنان را از یکدیگر نیز مشخص کنید. چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟
ب — گونه‌های مختلف اجتماعی شدن : تفاوتی که میان انتظارات والدین و فرزندان وجود دارد گاه به **تفاوت در ارزش‌ها** برمی‌گردد که نتیجه **اجتماعی شدن متفاوت** آنهاست؛ مثلاً:

— بعضی از والدین معتقدند دختر باید زود ازدواج کند اما فرزند آنها اعتقاد دارد که باید پس از اتمام تحصیلات و به دست آوردن موقعیت مناسب، ازدواج کرد.

— بعضی از والدین معتقدند فرزندان باید در انتخاب دوستان خود دقت کافی داشته باشند اما فرزندان آنها به چنین حساسیت‌هایی اعتقاد ندارند.

با توجه به اینکه اختلافات میان والدین و فرزندان کانون گرم خانواده را به سردی می‌کشاند و مشکلات جدی به وجود می‌آورد، آیا نباید برای حل آنها چاره‌ای اندیشید؟

فعالیت ۱۰-۳ پرسش ذکر شده را در کلاس مورد بحث قرار دهید و با کمک معلم و با استفاده از مطالب مطرح شده برای یافتن پاسخ آن تلاش کنید.



پرسش‌های فصل

- ۱- تأثیر خانواده را بر شخصیت فرد بررسی کنید و بگویید که به نظر شما چرا خانواده بیش از عوامل دیگر در تکوین شخصیت فرد تأثیر دارد؟
- ۲- چرا می‌گوییم خانواده یک نظام اجتماعی است؟
- ۳- آثار و نتایج نظام خانواده بر نظام اجتماعی کل کدام‌اند؟ هر یک را توضیح دهید.
- ۴- با ذکر مثال، چگونگی تأثیر رفتارهای اجتماعی پدر و مادر را بر جامعه‌پذیر شدن کودک بررسی کنید.
- ۵- چرا خانواده در همهٔ زمان‌ها پایدار مانده است؟
- ۶- رابطهٔ گونه‌های مختلف اجتماعی شدن را با ناسازگاری زوجین بررسی کنید.
- ۷- به نظر شما عدم توجه به چه مسائلی سازگاری را در بین اعضای خانواده کاهش می‌دهد؟
- ۸- در دورهٔ نوجوانی، چه خصوصیتی در فرد ظاهر می‌شود؟
- ۹- فهرستی از اختلافاتی را که احتمال دارد بین فرزندان و والدین به وجود آید، تهیه کنید؛ توضیح دهید که چگونه می‌توان این اختلافات را کاهش داد.

مروری بر فصل

- ۱- خانواده یک گروه است؛ زیرا افراد آن خود را «ما» می‌دانند و با یکدیگر تعامل نسبتاً پایدار و منظمی دارند.
- ۲- خانواده یک نظام اجتماعی کوچک نیز است که از مجموعه‌ای از نقش‌ها و هنجارهای به هم پیوسته تشکیل شده است.
- ۳- خانواده و نظام‌های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی جامعه با یکدیگر ارتباط متقابل دارند.
- ۴- خانواده بر نظام اجتماعی کل، تأثیرات و نتایجی مانند اجتماعی کردن فرزندان، مراقبت و نگهداری از کودکان و سالمندان، تولید نسل و ... دارد.
- ۵- خانواده در تکوین شخصیت فرد نقشی مهم ایفا می‌کند.
- ۶- نقش اساسی خانواده در تحکیم نظام اجتماعی کل باعث پایداری خانواده در زمان‌های مختلف شده است.
- ۷- در صورتی که جریان اجتماعی شدن به طور کامل تحقق نیابد یا مرد و زن به گونه‌های مختلفی اجتماعی شوند، در زندگی انتظارات متفاوتی از یکدیگر خواهند داشت و این تفاوت انتظارات موجب اختلاف آنها خواهد شد.
- ۸- تحولات اجتماعی موجب پیدایش ارزش‌های اجتماعی مختلف می‌شود. تغییر ارزش‌ها در درون خانواده ناسازگاری بین مرد و زن را تشدید می‌کند.
- ۹- تشابه در شرایط خانوادگی و ارزش‌های مورد قبول افراد، در ایجاد توافق و سازگاری بین مرد و زن در خانواده مؤثر است.
- ۱۰- اگر والدین و فرزندان خانواده با نقش‌ها و وظایف خود در مقابل یکدیگر آشنا باشند، از بروز ناسازگاری جلوگیری می‌کنند.